



اساس سوسیالیسم  
انسان است.  
سوسیالیسم  
جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.  
**منصور حکمت**

www.m-hekmat.com

دوره دوم

۵۶  
ضمیمه

جمعه، ۱۷ مهر ۱۳۸۳

۸ اکتبر ۲۰۰۴

جمعه ها منتشر میشود

انترناسیونال

سردبیر: سیاوش دانشور

anternasional@yahoo.com

Fax: 001-519 461 3416

## قرار در مورد شورا و جنبش شورائی

صفحه ۶

## بعد از کنگره پنجم با اعضای دفتر سیاسی حزب

صفحه ۲

# با انرژی و سرعتی بیش از گذشته به پیش میرویم

حمید تقوائی

## سخنرانی اختتامیه کنگره ۵

در خارج ایران تا يك استانها و شهرها و حوزه ها و محافل و جمع های اعضای حزب و دستداران حزب در شهرهای ایران فعالیتهای وسیع و همه جانبه ای از ما میطلبند. منتظر ما هستند رفقا! بعد از آنکه بحثها علنی شد و قبل از این کنگره و در پیام مستقیم به این کنگره بسیاری از فعالین از داخل کشور برای ما مینوشتند "چه شد؟ منتظریم، بحثها را دنبال کردیم، حزب تا اینجا آمده است، این راهها را باز کرده است، باید این پرچم را بلند کند و به پیش برود."

رفقا، من که گفتم باید انقلاب را بسازیم نه تهییج کردم و نه گزافه گفتم و نه خواستم به کسی روحیه بدهم. این گفته منصور حکمت را امروز بالعینه داریم میبینیم که اگر ما هم کنار برویم جامعه ما را صدا میزند. این يك ضرورت است. این را در پیامهایی که کنگره دریافت کرد دیدیم و قبل از آن هم در بحبوحه بحثهای داخلی، وقتی رفقای که از

←

انشعاب فراتر رفت. رفقا این را میخواستیم در اینجا اعلام کنیم که ما با این کنگره مساله انشعاب را پشت سر گذاشتیم، این پرونده را بستیم و کنگره این مساله را هم از نظر سیاسی و هم از نظر تشکیلاتی به سرانجام رساند. و اکنون با سیاستها، با پلافرمها و با مصوبات سیاسی این کنگره فقط میتوانیم جلو برویم. تا آنجائی که هرکس که از ما جدا شده - حزب درست کرده اند و یا حزب درست نکرده اند - اگر در داخل جنبش چپ هست، احترامش بجاست و اگر نیست همانطور که ما در قبال هر نیروی دیگری وظیفه خودمان میدانیم که از سیاستهای رادیکال و سوسیالیستی دفاع کنیم، در این مورد هم چنین خواهیم کرد.

رفقا پرونده بحثهای داخلی و انشعاب بسته شد، این حزب فقط میتواند به پیش برود. يك کوه کار داریم، فقط همین قطعنامه استراتژی را در دستور بگذاریم يك کوه کار داریم. از رادیو و تلویزیون گرفته تا تك تك شهرها و کشورها

صنعت نفت در انقلاب ۵۷، فعالین کمونیست در سیمان عراق، در کردستان ایران، به کنگره آمدند و پیامهای پر شوری را در اینجا خواندند، که برای من شخصا غیر قابل انتظار بود. من تصویر دیگری از این کنگره گرفتم. کمونیسم کارگری اگر در خطر بیفتد و بخواید از يك تند پیچ گذر کند آنوقت چه کسی بهتر و بجا تر از رهبر جنبش شورائی کارگران نفت میتواند اعلام کند که خط منصور حکمت را شناخته ام و تشخیص داده ام و پایش ایستاده ام و فراخوان بدهد به طبقه کارگر ایران که "این حزب توست، این بار در صحنه است و اجازه نمیدهد قدرت را از ما بزدند و همان بالای انقلاب ۵۷ را به سرمان بیاورند". این خصوصیات را در کنار شور و شوقی که در این کنگره، و نه فقط در سالن و جلسات رسمی بلکه در بیرون سالن هم، وجود داشت در نظر بگیرد تا به حقیقتی که در افتتاحیه گفتم، پی ببرید. این يك کنگره فوق العاده بود. و این کنگره بسیار از مساله مباحث اخیر و

کنیم این را در نظر خواهیم گرفت و نام این رفقا را هم ذکر خواهیم کرد. البته دخالت رفقای ما در داخل کشور تنها به این محدود نبود. از طریق اینترنت بطور زنده به کنگره پیام فرستادند، پیامهای متعددی هم قبل از کنگره بدست ما رسیده بود که بعضی را در اینجا خواندیم. در کنگره چهارم هم همین تکنولوژی بود ولی ما چنین استقبالی نگرفتیم. به نظر من این هم نشانهنده این واقعیت است که در داخل ایران نیز اعضای حزب، کادرهای حزب، فعالین و دستداران حزب وقتی تشخیص دادند حزب به حضور آنها احتیاج داد و این کنگره نقطه عطفی است در حرکت این حزب، از جایشان برخاستند و به هر ترتیبی که توانستند حضور خود را اعلام کردند. پیام دادند، قطعنامه ها را خواندند، نظر دادند و امضایشان را پای قطعنامه ها گذاشتند و مهر خود را به این کنگره زدند. برای اولین بار در این کنگره، رفقای فعال و رهبران عملی جنبش کارگری، رهبران جنبش شورائی در

این کنگره برای من و فکر میکنم بسیاری از ما غیر قابل انتظار بود. چرا این طور بود؟ کنگره چه خصوصیتی داشت؟ اول اینکه این عظیم ترین کنگره ای بود که حزب تاکنون تشکیل داده است. رفقای بودند، از کشورهای مختلف، در فرودگاه به مشکل برخورد بودند و دوباره و سه باره بلیط خریدند تا خود را به کنگره برسانند. رفقا ما کسانی هستیم که هر وقت تشخیص بدهیم حزب به ما احتیاج دارد هر طور شده در صف اول حاضر میشویم. حتی رفقای که فعالیت متشکلی با حزب ندارند و خود را دستدار حزب میدانند تشخیص دادند که به هر قیمتی شده باید در این کنگره حضور به هم برسانند. این يك نقطه قدرت کنگره بود. نکته دیگر اینکه برای اولین بار رفقای ما در داخل کشور در مباحث کنگره دخیل شدند. برخی از آنها قطعنامه شوراها را بعنوان تایید کننده امضا کردند که متأسفانه در این کنگره فرصت نشد به آن بپردازیم ولی ما در هر نشستی این قطعنامه را تصویب

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## بعد از کنگره پنجم با اعضای دفتر سیاسی حزب

**انترناسیونال:** يك نگاه به كنگره پنجم و تركيب شركت كندگان آن حاكي از حزبي جوان با تركيب بالاي زنان است. اين تغيير در بافت حزب را چگونه توضيح ميدهيد؟

**آذر ماجلدي:** حزب كمونيست كارگري اكنون مدتي است كه قالب سنتي سازمان هاي چپ را شكسته است. در مجامعي كه حزب برگزار مي كند، جلسات سياسي، كنفرانس ها و كنگره ها اين مساله كاملا مشهود است. براي خود من اين پديده جالب و هيچان انگيز است. درست است كه بافت سازمان هاي

چپ ۲۰ سال پيش همه جوان بودند و دختران بسياري با سازمان هاي چپ فعاليت مي كردند. ولي با گذشت زمان بافت اين سازمان ها بيشتر محدود ماند بهمان جمعيت قديم. سازمان ها بهمراه اعضايشان ميانسال شدند و روي آوري زنان به اين سازمان ها كاهش يافت. سازمان هاي راست اپوزيسيون فعال در خارج كشور كه ديگر كاملا مردانه و ميانسال اند.

حزب كمونيست كارگري از اين نظر يك استثنا است. در چند سال اخير روي آوري جوانان به حزب افزايش چشمگيري داشته است. بافت حزب از نظر جنسيتي نيز كاملا مخلوط است. در هيچ مجمع سياسي اپوزيسيون اين تعداد جوان و اين تعداد زن حضور ندارند. اين مساله گوياي موقعيت حزب در جامعه است. حزب كمونيست كارگري يك حزب اجتماعي بمعنای كامل كلمه است. حزبي است كه اميال و خواستههای اکثریت جامعه را بيان می کند، اهداف و خواست ها و برنامه حزب چكیده خواستههای نه

تنها كارگران، بلكه زنان و جوانان است. آزادي خواهی و برابری طلبی ای كه حزب نمايندگی می كند با اميال اكثریت جامعه خوانایی دارد. مدرنیسم حزب، خصلت ضد مذهبی حزب، مواضع محكم آن در دفاع از حقوق زنان، فرهنگ مدرن و آزاديخواهانه ای كه نمايندگی می كند، همه به حزب جذابیت خاصی ميدهد. بعلاوه حزب، بعنوان يك نیروی بزرگ و مبارز و بعنوان يك آلترا تيو در مقابل جمهوری اسلامی در جامعه مطرح است.

جامعه ايران يك جامعه كاملا سياسي است كه روز به روز بيشتر قطبي می شود. صف بندی راست و چپ در جامعه خطوط روشن تری می گیرد و از هم تفكيك می شود. و در چپ، اين حزب كمونيست كارگري است كه با سری برافراشته ايستاده است و تمامی آزاديخواهی و برابری طلبی، رفاه و شكوفایی، نوظلبي و ضدیت با افكار و ارزش های كهنه و پوسیده را به معرض نمايش می گذارد. پس عجيب نيست كه روي آوري به حزب وسيع و از سوی كليه اقشار جامعه باشد. جوانان بسيار پرشور و درگير در مسائل سياسي اند، زنان در هر حرکت روزمره زندگي با رژيم سرشاخ می شوند و باين اعتبار نيز بسيار سياسي هستند. اين انقلاب رنگ و بوئی عميقا زنده دارد. و روشن است كه اين دو قشر بدنبال يك جريان سياسي بگردند كه اميال آنها را برای رسيدن به يك جامعه باز و آزاد و برابر نمايندگی كند. در اين جستجو خيلي سريع حزب كمونيست كارگري را می يابند. كنگره ۵ اين تغيير بافت و

تغيير موقعيت حزب را كاملا به نمايش می گذاشت. و نه تنها شركت كندگان در كنگره، بلكه كميته مركزي منتخبا كنگره نيز اين خصلت را نشان ميدهد. يك سوم اعضای كميته مركزي منخب اين كنگره زن هستند. چنين تركيبی نه تنها در ايران منحصر بفرد است، بلكه حتی در كشورهای غربي نيز كمياب است. در بسياری از احزاب غربي اكنون تلاش می شود كه با تعيين سهميه تعداد زنان را در ارگانهای رهبري و در ميان كانديداهای پارلمان بالا ببرند. و با اين وجود هم درصد زنان در بسياری از اين احزاب از اين رقم پايين تر است. در حزب بدون هيچ سهميه بندی ما شاهد اين حضور فعال زنان در ارگان های رهبري هستيم. بافت سنی كميته مركزي هم جوان تر شده است. حزب كمونيست كارگري به اينده تعلق دارد و اينده را برای مردم ايران رقم می زند. كنگره ۵ نيز اين خصلت حزب را در تمام وجوه بخوبي نمايندگی می کرد.

**انترناسیونال:** كنگره پنجم پايان يك دوره جدال سياسي درون حزبي و آغاز دور جديدی از تعرض كمونيستی را تبيين كرد. معنی عملي و سياسي اين جهتگيري چیست؟

**علي جوادى:** با برگزاري موفق كنگره پنجم، حزب يك دوره جديد از حيات سياسي - تشكيلائی خود را آغاز كرد. چكیده اين دوران را شايد بتوان چنين بيان كرد: حزب دوران پر تلاطم و تند پيچ پس از فقدان منصور حكمت را از سر گذراند. سئوالات و ابهامات گفته و ناگفته

ای كه در مقابل حزب كمونيست كارگري قرار گرفته بودند، ناروشنی هایی كه حتی خودمان در مورد سرنوشت و اينده حزب در دوران فقدان منصور حكمت در ذهن داشتيم، در اين جدال مطرح شدند و پاسخ گرفتند. ما در اين مبارزه آبيده تر شديم. حزب در مسير روشن و همواری قرار گرفت. خود را باز يافت. متحد و متشكل شد. بار ديگر عزم و اراده خود برای تحقق فوري كليت برنامه حزب كمونيست كارگري، "يك دنياى بهتر" را بطور همه جانبه نشان داد. حزب اكنون سنگهایی كه گرايش راست به دست و پايش بسته بود را به كناری زده است. اين جدالی بر سر مباني پایه ای جنبش كمونيسم كارگري و تعرض گرايش راست به اين اهداف بود. حزب اكنون با افق و برنامه روشن و نقشه عملي تاكتيكي منسجم فقط ميتواند و بايد به جلو برود.

معنای عملي و سياسي جهتگيريهای كنگره پنج چیست؟ حزب دنيايی از مسائل و وظايف رو در روي خود دارد. برای اولين بار در تاريخ تحولات سياسي معاصر ايران، سوسياليسم و طبقه كارگر اين امكان را يافته اند كه جامعه ای انساني را بنا نهند. ماتريال سياسي و تشكيلائی اين تحول تاريخي فراهم است. برای اولين بار در تاريخ احزاب سياسي در ايران، حزبي تماميت خواستها و آرزوهای مردم را برای خوشبختي و سعادت نمايندگی ميکند. از طرف ديگر انقلابی در ايران در حال شكل گيري است. اين انقلاب با توجه به تمام داده های اجتماعي و سياسي فقط ميتواند

يك انقلاب كارگري با هدف آزادي و رهایی تمامی جامعه باشد. حزب بايد سازماندهی و پيروزی اين جنبش را به كم مشقت ترين شكل، در گسترده ترين سطح و در سريعترين زمان ممكن تضمين كند. قطعنامه "مباني استراتژی و روش و وظايف حزب برای سازماندهی انقلاب و كسب قدرت سياسي" تماما به مباني عملي و ملزومات سياسي و تشكيلائی اين پروسه انگشت ميگذارد و راه را نشان ميدهد.

در پایه ای ترين سطح "حزب بايد در يك سطح اجتماعي از جانب طبقه كارگر و چپ جامعه بعنوان تنها آلترا تيو حكومتي مطلوب و يك نیروی قادر به تصرف و حفظ قدرت سياسي شناخته و انتخاب شود." كنگره ملزومات اين راه را تعريف كرد. اكنون حزب دارای نقشه عمل و استراتژی سازمانی روشنی برای متحقق كردن ملزومات تصرف قدرت سياسي و استقرار يك جمهوري سوسيالستي است. اهداف روشن اند. مسير و جهت راه تعريف شده اند. اما موانع بسيار است. بايد تلاش كرد. تلاشی هركولی به اهميت خلاصی جامعه از نظام و مناسباتی كه مسبب تيره روزی و فلاکت اكثریت عظيم جامعه است.

**انترناسیونال:** كميته كل كشور بعد از كنگره پنجم چه پروژه هایی در دست دارد. برای تبديل حزب كمونيست كارگري به حزب متحد كنده وسيعترين رهبران و فعالين كمونيست جنبش كارگري و ديگر



ممكن نبود و من مطمئنم همه شما در اين جهت آستينها را بالا ميزنيد. حزب ديگري است، نقطه عطفی را پشت سر گذاشتيم، حزبي است كه فقط ميتواند با انرژی و سرعتی بيش از گذشته بجلو برود. پرونده انشعاب را ببنديم، گذشته را پشت سر بگذاريم، به پيش ميرويم. موفق و پيروز باشيد. \*

هايش را به شكل كتبی هم در يك مجموعه منتشر كنيم - اسناد كنگره چهارم را هم ميخواستيم منتشر كنيم فرصت نشد، اين اسناد را هم بصورت كتبی منتشر خواهيم كرد - و سعی ميكنيم خود اين كنگره مثل يك گلوله انرژی حزب را بجلو پرتاب كند. قدمهای بزرگی ميشود بجلو برداشت كه بدون كنگره

چه مرألی را پشت سر ميگذارند كاملا دست ما را ميبوسد. من اميدوارم همانطور كه كنگره با اين شور و شوق تشكيل شد، اسنادی تصويب كرد و راه را نشان داد، حزب با همين شور و شوق ما بجلو برود. ما اين كنگره را وسيعا منعكس ميكنيم. فيلمها و نوارهايش هست، سعی ميكنيم مصوبات و سخنرانی

ما را در جلوی صف خودش ببيند. ما بايد اين پرچم را بلند كنيم و به پيش برويم. ميتوانيم، همه امكاناتش را داريم، مهمتر از همه خط و سياست و مصوبات روشنی داريم كه حزب و انقلاب ايران را بجلو ميبرد. سرنوشت حزب و انقلاب در ايران به هم وابسته است. و اينكه حزب و انقلاب چطور بجلو ميروند و

→  
ايران آمده بودند را ملاقات كرديم اولين بحثی كه جلوی ما گذاشتند اين بود كه "بجتهای حزب و جامعه در ايران چه شد؟ چرا دنبالش را نگرفتيد؟" فعالين جنبش كارگري، طبقه كارگر جلو آمده و اين بحث را بر داشته است و ميخواهد همچنان

جنبشهای اعتراضی در ایران چه سیاسی دارید؟

**شهلا دانشفر:** ما قبلا هم گفته ایم که حضور سیاسی و اجتماعی حزب با حضور تشکیلاتی آن انطباق ندارد. یک پروژه مهم کمیته کل کشور در این دوره ساختار دادن به سازمان حزب در داخل کشور و پایان دادن به این معضل است.

واقعیت اینست که امروز موقعیت حزب کمونیست کارگری عوض شده است. از طرفی نفوذ اجتماعی حزب شدت افزایش یافته است و از طرف دیگر بویژه از مقطع کنگره چهارم و سپس پلنوم بیستم و طرح بحث حزب و جامعه در ایران، توجه و تحرک فعالین حزب به مباحث کنگره و پلنوم بیست شدت جلب شد. و بالاخره در جریان مباحث درونی کادرهای حزب در داخل کشور بطور جدی و وسیعی در این مباحث شرکت کردند. این را در کنگره ۵ و پیامهای رفقای داخل به کنگره دیدیم. در اصرار رفقای که یک شب به کنگره مانده زنگ زدند و اصرار داشتند تا امضای آنان در زیر قطعنامه زنده باد شوراها گذاشته شود و در دخالت فعال رفقایمان از داخل در مباحثات این دوره حزب دیدیم. این شرایط جدیدی است که باید سازمان حزبی ما جوابگوی آن باشد و اولین پروژه کمیته کل کشور جواب دادن به این نیاز و به عبارت روشتر هویت دادن به وجود فعالین حزبی در ساختمان حزب است. حزب ما در داخل کشور بدنه بزرگی دارد باید به آن شکل و هویت داد. این بدنه باید حوزه ها و سلولهای پایه ای اش روشن باشد و این حوزه ها باید بسرعت و وسیعا درست شوند. باید کادرهای حزب نقش جدی تری در فعل و انفعالات حزب ایفا کنند. باید تشکیلات داخل در حیات سیاسی حزب نقش واقعی خود را بازیابد. یک بخش مهم تحقق این پروژه قوام دادن به ساختار حزب در داخل کشور است. باید ما بتوانیم سازمان حزبی خود در داخل کشور و حوزه های حزبی را در محل های کار و زیست ایجاد کنیم. حوزه هایی که بطور واقعی مغز متفکر عرصه های وسیع فعالیت اجتماعی حزب در داخل هستند.

به درجه ای که حزب را در داخل میسازیم، باید گرایش چپ و رادیکال در جنبش کارگری و دیگر جنبش های اعتراضی در جامعه

حضور علنی و اجتماعی خود را بازیابد. این رکن دیگر کار کمیته کل کشور است که باید موازی با ساختن حزب در داخل ایران به پیش رود. در واقع یک کار مهم دیگر کمیته کل کشور به اجرا در آوردن قطعنامه مربوط به ابراز وجود اجتماعی رهبران چپ و کمونیست و باز کردن جنبه های عملی این بحث برای فعالین کمونیست در جنبش کارگری و در جنبش های اعتراضی دیگر، جنبش زنان، جوانان و غیره است. شما میدانید بحث هویت بخشیدن به رهبران چپ و کمونیست در عرصه علنی و اجتماعی با استقبال زیادی از سوی رفقای ما در داخل روبرو شد و بطور واقع دریچه جدیدی به روی فعالیت این رفقا گشود. طی همین مدت کوتاهی که این بحث از سوی حمید تقوایی مطرح شده، فعالین حزبی مرتبط با ما به لحاظ موقعیت اجتماعی و فعالیتهاشان تغییری کیفی کرده اند. در عرصه عملی نیز نمونه هایی از سنتهایی از نوع دیگر، از نوع اینک رهبران کارگری در عرصه اجتماعی و علنی پا به صحنه میگذارند را در جنبش کارگری می بینیم که برجسته ترین آن نمونه کارگران آزاد شده اول مه سقز هستند. کارگرانی که امروز نه تنها در شهر خود و در ایران بلکه در سطح جهانی به رهبران و چهره هایی شناخته شده تبدیل شده اند. مثال دیگر آن رشد حمایت ها و همبستگی هاست. از جمله بندهای قطعنامه کارگران در اول مه در حمایت از مبارزات معلمان و در همبستگی با کارگران خاتون آباد، بلند کردن پلاکارد حمایت از کارگران پتروشیمی و اعتصابات کارگران از سوی دانشجویان در ۱۶ آذر همه و همه گامهای اولیه بنا گذاشتن سنتی متفاوت با گذشته است. سنت ابراز وجود اجتماعی کارگر و اینکه کارگر تلاش میکند صدای اعتراض خود را نه تنها در سطح داخل ایران بلکه در سطح بین المللی انعکاس میدهد. این جهتی است که بعد جدیدی به کار ما و به فعالیت فعالین ما در داخل کشور داده است. یک کار فوری کمیته کل کشور بازکردن جنبه های مختلف این سنت و برداشتن موانع ذهنی آنست.

**انترناسیونال:** سوسیالیسم فورا و انقلاب کارگری علیه نظام موجود مفاهیمی بودند که در این کنگره

بطور ویژه بر آن تاکید شد. این تاکید بعد از کنگره پنجم چه مکانی در تبلیغات سیاسی و فعالیت حزبی پیدا میکند؟

**فاتح بهرامی:** سوسیالیسم جزو اهداف پایه ای و اساسی حزب کمونیست کارگری و سنت و خط منصور حکمت از ۲۵ سال پیش است که تحقق آن تنها با سازماندهی یک انقلاب کارگری امکانپذیر است. اینها اساسا فلسفه وجودی حزب کمونیست کارگری را توضیح میدهد. حزب ما برای زیر و رو کردن وضع موجود، از بین بردن استثمار و لغو کار مزدی، تغییر در زندگی انسانها، و برقراری آزادی و برابری و رفاه در جامعه درست شده است، از اینرو سوسیالیسم فورا جزو هویت حزب ماست. بنابراین سوسیالیسم فورا و انقلاب کارگری مفاهیمی جدید در حزب ما نیست، اگر در کنگره پنجم تاکید ویژه ای روی آنها شد به این دلیل بود که هم فوریت سوسیالیسم و هم جایگاه انقلاب در متن اختلافاتی که از دو سال پیش در حزب ما جریان داشت زیر سوال رفته بودند. کنگره پنجم بدنبال خروج رفقای منشعب تشکیل شد و لازم بود بار دیگر بر اهداف پایه ای و برنامه ای حزب ما تاکید شود.

پس از کنگره پنجم نیز مکان تبلیغی سوسیالیسم فورا همچون سابق در حزب مهم است. اما مساله بر سر تبلیغ نیست. انقلاب را باید سازمان داد، حزب باید برای تصرف قدرت سیاسی آماده تر و قوی تر بشود، طبقه کارگر و مردم زحمتکش و آزادیخواه را باید متحد کرد و بمیدان کشید و حزب باید هر چه بیشتر سازمانش را در داخل ایران گسترده تر کند و در سطح اجتماعی قدرتمند تر ابراز وجود کند. جاپای حزب باید همه جا معلوم باشد و کادرها و فعالین حزب در داخل باید هم در سطح اجتماعی و هم درون حزب نقش جدی تر از قبل ایفا کنند. اما کنگره پنجم، در ادامه کنگره چهار، گامهای بلندتر و مهمتری برداشت. تصویب دو قطعنامه درباره استراتژی حزب برای کسب قدرت سیاسی و تاکید مجدد بر بحث حزب و جامعه در ایران و قطعنامه آن خط و جهت ما را برای رهبری و سازماندهی انقلاب و تصرف قدرت سیاسی روشن میکند و پراتیک گسترده ای را در دستور

کار حزب قرار میدهد. این قطعنامه ها نه تنها چهارچوب عمومی و رؤس کلی حرکت ما را برای فعالیت حزب پس از کنگره پنجم و در جهت رهبری و سازماندهی انقلاب و برقراری یک جمهوری سوسیالیستی روشن میکنند بلکه همچنین استنتاجات پراتیکی جدید و مهمی را از بحث حزب و قدرت سیاسی و حزب و جامعه منصور حکمت بدست میدهد. بحث حزب و قدرت سیاسی منصور حکمت از طرف کسانی که از حزب خارج شدند از محتوا خالی شده بود و به دیپلماسی و نوعی حرکت چریکی تبدیل شده بود. تصرف قدرت سیاسی توسط کمونیستها در یک جامعه هفتاد میلیونی با وجود یک رژیم هار سرمایه داری نه با چیز خور کردن آقای خامنه ای ممکن است نه با شرکت در دولتهای موقت ائتلافی و نه با حرکت چریکی و خانه سه نفر را گرفتن. قدرت سیاسی را در زمین دشمن و با قدرت حزب در راس یک انقلاب عظیم زیر و رو کننده میتوان گرفت و نگهداشت. این کار حزب کمونیست کارگری ایران است.

کنگره پنجم عزم جزم رهبری و کادرها و اعضای حزب برای به سرانجام رساندن همین کار مهم بود. کوهی از کار کمونیستی در عرصه های مختلف مقابل رهبری حزب و کادرهای حزب در داخل و خارج ایران و در مقابل کارگران کمونیست و رهبران عملی و فعالین چپ و آزادیخواه که در راس جنبش های اجتماعی قرار دارند وجود دارد. همه باید آستین هایمان را بالا بزنیم و تمام نیرویمان را برای سازماندهی انقلاب کارگری و برقراری یک جمهوری سوسیالیستی بهم گره بزنیم.

**انترناسیونال:** جوانان در این کنگره همه جا درگیر بودند. از سازماندهی و دخالت در فعالیت های تدارکاتی تا مباحث سیاسی و مباحث ویژه سازمان جوانان تا پیامهایشان از ایران. کار شما و سازمان جوانان کمونیست بعد از کنگره چیست و چه تفاوتی با قبل از کنگره خواهد داشت؟

**مصطفی صابری:** همانطور که در کنگره هم گفته اشعاعی که در حزب کمونیست کارگری صورت گرفت و بویژه کنگره پنجم در واقع پیش درآمد انقلاب در ایران بود. یک

انقلاب عظیم توده ای که برای تحقق اهدافش فقط میتواند کمونیستی باشد. فقط کمونیسم میتواند آنرا به پیروزی برساند. نیروی محرکه این انقلاب (فکر میکنم مثل هر انقلاب دیگری) نسل جوان آن جامعه است. و این نسل جوان در ایران امروز به حزب کمونیست کارگری و تحولاتش به شدت توجه دارد. در این شش هفت سال هر کنگره ما از آن قبلی جوانتر بوده است. یعنی شرکت کنندگان جوان درصد رو به افزایشی را تشکیل میداده اند. کنگره ۵ یک تحول کیفی را نسبت به حتی کنگره چهار نشان میداد. این در هر گوشه کنگره محسوس بود. این حضور بیش از پیش جوانان در صفوف حزب کمونیست کارگری نشان میدهد که چه ظرفیت عظیمی برای جذب جوانان به ایده های کمونیسم کارگری و جنبش ما وجود دارد. در روک شایبی که سازمان جوانان در کنگره داشت تاکید کرد که واقعیت سازمان جوانان کمونیست نسبت به آنچه که میتواند باشد غیر قابل رضایت است. ما باید بتوانیم به سازمان توده ای همه جوانان رادیکال، سوسیالیست و آزادیخواه تبدیل شویم. این یک جهت گیری است که همه مصوبات و جهت گیری ها و حتی فضای کنگره و نقش جوانان بر آن تاکید مجدد گذاشت.

خاصیت دیگر کنگره پنجم این بود که متکی بر رای مستقیم اعضا بود. این خود زمینه واقعی دخالت وسیع جوانان در کنگره بود. ما باید قادر شویم زمینه و فضای این دخالتگری را بویژه در سازمان جوانان کمونیست فراهم آوریم. متأسفانه در این زمینه قبلا مشکلات و موانع سبک کاری و بینشی و منشی معینی وجود داشته که به جای خود باید به آن پرداخت. در یکی دو سال گذشته چهره هایی که از بین خود جوانان مطرح شدند ولی عمدتا بعنوان نویسندگان و قلم زنان نشریه جوانان کمونیست بود. باید این وضعیت را عوض کرد. این چهره ها باید بسیار افزایش یابد. باید رهبران کمونیست سراسری جوانان را به جامعه عرضه کرد. همینطور باید شکل مناسبات درونی سازمان جوانان بسیار دمکراتیک تر و فضای دخالت برای جوانان کمونیست بسیار فراهم تر شود. این کاری است که در عین حفظ انسجام و استحکام

مارکسیستی و نظری سازمان جوانان کمونیست باید بطور جدی تر انجام داد.

سازمان جوانان کمونیست یک سازمان مهم وابسته به حزب کمونیست کارگری است که میتواند نقش بسیار تعیین کننده در انقلاب آتی ایران، در سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری سوسیالیستی و در تمامی مراحل این مبارزه ایفاء کند. چه در خارج و چه در داخل. سازمان جوانان کمونیست باید پیکان تیز کمونیسم کارگری و جنبش منصور حکمت باشد. به نظر من این تحول هنوز صورت نگرفته است. هنوز سازمان جوانان کمونیست، علیرغم برخی پیشروی ها در یکی دو سال اخیر، در این قامت ظاهر نشده است. کنگره پنجم ضرورت این تحول را آشکارتر از همیشه جلوی ما گذاشت.

**انترناسیونال:** حزب در خارج بعد از کنگره پنجم چه برنامه ای دارد؟ تصویر فعالیت حزب در خارج کشور و ابعاد و نوع آن بدنبال کنگره پنجم چه تغییراتی میکند؟

**کاظم نیکخواه:** جهتگیری ما برای فعالیت در خارج کشور با کنگره پنجم تغییر نکرده است بلکه کنگره راه عملی کردن آن را بسیار هموارتر کرد و در نتیجه دیگر هیچ عذر و بهانه ای وجود ندارد برای اینکه تشکیلاتی مستحکم، قابل دسترس برای همه ایرانیان، و با استخوان بندی قوی مارکسیستی بسازیم که تاثیر گذاری سیاسی وسیع و همه جانبه و غیر قابل انکاری بر محیط فعالیت خویش داشته باشد. پیش از کنگره اختلافات درون رهبری، در فعالیت حزب در خارج کشور نیز درکهای متفاوتی را منعکس میکرد و پیشروی و قدرت مانور و ارتقای تشکیلات را بشدت کند میکرد. بعلاوه نفس کنگره ای با این عظمت و شفافیت و هم نظری فضای آماده تری را برای تغییر و سرعت بخشیدن به کارها ایجاد میکند. شخصا بسیار امیدوارم که بتوانیم در فاصله زمانی ای نه چندان دور گامهای بزرگی چه از نظر گسترش بیشتر تشکیلات و چه وسعت بخشیدن به فعالیتهای سیاسی و چه از نظر ارتقا و استحکام تشکیلاتی برداریم.

یکی از مشخصات ویژه تشکیلات ما اینست که مثل سایر

گروههای اپوزیسیون خارج کشور خود را پشت جبهه "داخل" تعریف نمیکند بلکه بعنوان یک نیروی کمونیست تلاش میکند در جوامع محل فعالیت خود نیز منشا اثر و دخیل در تحولات و مبارزات کارگران و مردم باشد. از این نظر نمونه دیگری را من در میان سازمانهای اپوزیسیونی در خارج کشور بیاد نمی آورم. منظورم فقط سازمانهای ایرانی نیست بلکه همه سازمانها و احزاب از گوشه و کنار دنیا را مد نظر دارم. ما در واقع تنها حزبی هستیم که در مسائل مربوط به کارگران، زنان، کودکان، و کلا حقوق اجتماعی و غیره در حد توان خود فعالانه در همه کشورهایی که حضور داریم، دخالت کرده ایم و آنها را امر خود میدانیم. شمار قابل توجهی از کادرهای حزب در کشورهای محل اقامت خود شخصیتهای شناخته شده ای هستند. این به ما امکان میدهد که در دفاع از مبارزات کارگران و مردم در ایران نیز بتوانیم حمایت زیادی را جلب کنیم. با اشاره به این خصوصیت بسیار مثبت و اساسی حزب که تشکیلات خارج در آن نقش اصلی را دارد، میخوام در عین حال نارضایتی خودم را از همین جنبه از کارمان نیز ابراز کنم. تجربه خود ما نشان میدهد که ما هر گامی که در این جهت برداشته ایم با استقبال بسیار وسیعی از جانب مردم، چه ایرانیان چه به اصطلاح مردم خود این کشورها، قرار گرفته ایم. در واقع رادیکالیسم و سیاست چپ زمینه بسیار خوبی در همه جا دارد. اما تشکیلات ما از تجربیات خوب و مثبت خود برای گسترش هرچه بیشتر فعالیتهايش و تبدیل پیشرویهایش به گسترش هرچه بیشتر سازمانی بخوبی استفاده نکرده است. ما برای بیشتر مردم قابل دسترس نیستیم. تبلیغات ما در میان مردم بسیار از حد انتظار خودمان محلود تر است. نه فقط برای جذب مردم به حزب فعالیت محدودی داریم بلکه با اعضای موجود تشکیلاتمان نیز ارتباط فعالی نداریم و امر ارتقا و جذب هرچه بیشتر آنها را نصفه نیمه کاره انجام میدهم. معایب تشکیلات در این زمینه ها زیاد است. میخوام بگویم که تصویر من از تشکیلات حزب در خارج کشور تشکیلاتی است که همه این کارها و بسیاری

کارهای دیگر را که اینجا فرصت پرداختن به آنها نیست، با شتاب کافی و بخوبی انجام میدهد و در عین حال با یک فعالیت پرشتاب سیاسی فضا را در خارج کشور بر حکومت کثیف اسلامی تنگ میکند، خواستههای کارگران و زنان و دانشجویان و همه مردم ایران را به افکار عمومی دنیا میشناسد و حمایت گسترده از مبارزات آنها جلب میکند و در عین حال یک پای اصلی دفاع از حقوق انسانی در خارج کشور است.

ما باید به یک سازمان پرنفوذ، با استخوان بندی کادری توانا و مارکسیست و قوی و از نظر سیاسی حاضر در وسط صحنه سیاسی در خارج کشور تبدیل شویم. در این جهت طی سالهای گذشته گامهای زیادی به جلو آمده ایم، اکنون بعد از کنگره میتوانیم و باید جهشی بلندتر به پیش برداریم.

**انترناسیونال:** حزب چگونه باید موقعیتش را در راس جنبش سرنگونی در خارج کشور تثبیت کند. پروژه های مشخص کمیته خارج حزب در ایندوره کدامند؟

**خلیل کیوان:** لازم میبینم که با اشاره ای به اوضاع سیاسی و موقعیت حزب پاسخ این سئوالات را بدهم. روند اوضاع سیاسی ایران حاکی از آن است که جمهوری اسلامی با انقلابی که در حال شکل گیری است سرنگون خواهد شد. فاکتور مداخلات خارجی و ایستگاه های بین راه را فعلا از این موضوع انتزاع میکنم. دیگر باید برای هر ناظر روشن بینی ثابت شده باشد که وجود حزب یک فاکتور اساسی در صف بندی های فعلی سیاسی ایران و شکل گیری انقلاب جاری بوده و میباشد. شکست پروژه های سیاسی راست در جامعه و جلوگیری از به انحراف کشاندن مبارزات و انقلابی که در راه است بدون حزب و حضور مستمر آن ممکن نبوده است - و باید تاکید کرد که بدون فعالیت های پیگیر و مستمر حزب در خارج این موقعیت ممکن نبوده است. فعالیت حزب در خارج در پیشروی جنبش سرنگونی و شکل گیری انقلاب تعیین کننده است. به یمن همین فعالیت ها امروز دیگر موقعیت داخل کشوری حزب به مراتب گسترده تر از حزب در خارج شده است، بطوریکه اکنون نه فقط حزب

از خارج بلکه حزب از داخل هم در روند تحولات موثر شده است. سرعت رشد حزب در داخل سیر تصاعدی دارد. بنابراین ما باید نقطه قوت خودمان در داخل را به سکوی پرش و رشد بیشتر سازمان خارج کشور حزب بدل کنیم. راه های آن را باید پیدا کنیم. موقعیت و نفوذ رو به گسترش حزب در داخل باید موجب روی آوری وسیعتر مردم به حزب در خارج گردد. واقعیت این است که روی آوری به سازمانهای سیاسی در ابعادی گسترده در خارج هنوز اتفاق نیفتاده است و این دلایل مختلفی دارد که اینجا بررسی آن هدف نیست. اما با نرم های کنونی و مقایسه با احزاب دیگر اپوزیسیون، حزب کمونیست کارگری در خارج موجودیت عظیمی است. چه به لحاظ تعداد عضو و کادرهای توانا و چه به جهت سنن و تحرك سیاسی آنها. کمتر عرصه ای است که بتوان نام برد که حزب در آن حضور موثر نداشته است. با این وصف ما با انتظاراتمان هنوز فاصله زیادی داریم. مردم زیادی باید حزب را از آن خود بدانند، به آن کمک مالی کنند و عضو آن شوند، سازمان حزب باید دائما گسترش یابد. هر جا عده ای جمع اند باید حضور حزب، هم از نظر سیاسی و هم به جهت سازمانی تضمین شود. برای این امر ما کارهای زیادی باید انجام دهیم.

برای تحقق این اهداف جهت گیریهای تا کنونی و سیاست هائی که دنبال میکردیم به قوت خود باقی است. آنچه میباید اکنون پس از تحولات اخیر در حزب و برگزاری کنگره در دستور ما قرار گیرد، بنظرم آن روش هائی است که بتوانند ما را در ابعاد ماکروتر نزد مردم ببرد. توجه آنها را جلب کند و آنها را به روی آوری به حزب و سیاست های آن جلب نماید. بنظرم از این جهت باید خودمان را بازبینی کنیم. حقیقت این است که باید دائما این کار صورت گیرد اما اکنون ضرورت آن برجسته تر از همیشه است. اما علیرغم همه اینها، من فکر میکنم

موقعیت حزب در راس جنبش سرنگونی در خارج تثبیت شده است. سئوالاتی که پیش روی ماست این است که چگونه حزب به لحاظ افقی، یعنی گسترش وسیع در میان مردم رشد میکند؟ چطور مردم بیشتری، بسیار بیشتر از امروز، حزب را از آن خود میدانند؟ به آن سمپاتی نشان

میدهند، خواهان تماس با حزب شوند و به آن کمک میکنند؟ کسی اگر به نیروها و سازمانهای اپوزیسیون نگاه کند مینبیند که حزب با حضور دائمی خود در عرصه های مختلف، از تبلیغ و آکسیون تا افشاگری و مقابله با دوم خرداد، از دفاع از حقوق زن و کودک تا مقابله با قتل های ناموسی و حضور فعال در مجادلاتی در باره حجاب و اسلام سیاسی و جنگ و غیره این موقعیت را تثبیت کرده است. سئوالاتی اگر مطرح باشد این است که چگونه توجه ده ها هزار از مردم را جلب کند؟ چگونه میتوان در خارج کشور دهها هزار نفر را حزب به گرد خود بیاورد؟ برای اینکار باید فوراً کارهایی در دستور قرار گیرد. ما امروز از امکانات خوبی برخورداریم. برای اولین بار چپ دارای مدیای تصویری است. ما کانال جدید را داریم. استفاده از تلویزیون برای دسترسی به مردم در خارج باید در محور کار ما قرار گیرد. پخش زنده برنامه ها یک گام اساسی در این راه است. و نکته بعدی این است که یک بررسی و جمع بندی از کار سازمانی تا کنونی و رفع نواقص و یافتن راه ها و روش های موثرتر، مدرن و راه گشا بنحوی که هم راه رشد سازمانی ممکن گردد و هم کارها راحت و ساده شود از اهم وظایف این دوره ماست. خلاصه کنم، ما دو پروژه اساسی باید در دست داشته باشیم. یکم؛ دسترسی به مردم و جلب آنها در ابعادی ماکرو به حزب و دوم؛ ساختن سازمان حزبی مدرن و ساده و استاندارد کردن کارها بنحوی که یک عضو جدید پس یکدوره کوتاه بتواند از پس وظایف یک کادر برآید و احساس نشاط و غرور کند که عضو حزب شده است و برود یک عده ای را تشویق کند که عضو شوند. ایجاد و یا بهبود فونکسیونهای که امر تماس با مردم را بسیار گسترش دهد. برای انجام آنها باید فوراً دست بکار شویم.

**انترناسیونال:** تبدیل شدن به یک حزب سیاسی اجتماعی مارکسیستی الگو و هدفی است که در قلمرو ساختن حزب سیاسی دنبال کردیم. آموزش و کادرسازی در دوره اخیر چه اهمیتی دارد و حزب چه برنامه ای برای آن دارد؟

**سپاوش مدرسی:** اساساً احزاب

اجتماعی کاری بجز این نمیکنند که توده هرچه وسیعتری را حول شعارها و مطالبات سیاسییشان گرد آورند. در واقع تغییر و تحولات اجتماعی برای احزابی از جنس ما که نه به بالا، که به نیروی متحول کننده در اعماق و پائین جامعه چشم دوخته اند بجز نیروی اجتماعی و اعتراضی طبقه کارگر، زنان، جوانان، معلمان و پرستارها و دیگر مردم تحت ستم نیست. در واقع میزان گرد آمدن مردم بدور شعارها و مطالبات حزب ما، نشان دهنده میزان موفقیت ما نیز هست.

اما ما در عین حال یک حزب مارکسیستی هستیم. یعنی نقد ما به نظام سرمایه داری نقدی ریشه ای و بنیادی است. ما خواهان تغییر نظام سرمایه داری به نظامی برابر و آزاد و انسانی هستیم. نظامی که در آن بقول مارکس آزادی هر فرد شرط آزادی همگان است. میدانید که با حسن نیت ترین لیبرالها سعی میکنند کمونیسم را یک هدف آرمانی و یک رویای غیر قابل دسترس معرفی کنند. که البته این از نظر ما پوچ و بی معنی است، مارکسیسم یک نقد و یک علم است و بر آخرین دستاوردهای دانش بشری چه در زمان مارکس و چه امروز متکی بوده و هست، این حقیقتی غیر قابل کتمان است.

بهر حال حزب ما باید به مرکز ترویج، تدریس و اشاعه نقد مارکسیستی جامعه معاصر تبدیل شود، نقد ما به نظام سرمایه داری به نقد مارکس و نقد اقتصاد سیاسی او متکی است و به انتقاد او در زمینه فلسفه و مبارزه اجتماعی و طبقاتی. در تمام این زمینه ها از مارکس ادبیات بسیار غنی بجای مانده است. منصور حکمت بحق انتقاد مارکسیستی دوران ما را نمایندگی میکند و درافزودهای قابل توجهی به این علم دارد. و در این زمینه هم گنجینه گرانبهایی برای ما بجای گذاشته است. حزب ما باید به بدنه کادری مارکسیست و استواری متکی باشد و رهبری حزب باید پرورش این کادرها را در دستور کار خود بگذارد. چه رویه تشکیلات و چه رو به جامعه.

در مورد برنامه های رهبری در زمینه آموزش، من و رفیق اصغر کریمی قراری به کنگره پیشنهاد کردیم، کلیت قرار تصویب شد و قرار است در اولین فرصت برنامه عملی

کردن آن را هم در دفتر سیاسی و هم کمیته مرکزی تدقیق کنیم. بنابراین در این فرصت من نظرات خود را مطرح میکنم. من فکر میکنم رهبری حزب لازم است که در عالیترین مراجع حزب فونکسیونی برای اجرای این امر را سازمان بدهد. چاپ و توزیع آثار کلیدی مارکس، تدریس این آثار مارکس و منصور حکمت چه در سطح کلاسهای آموزشی در درون تشکیلات، و چه داشتن برنامه های تلویزیونی در این زمینه رو به جامعه لازم است در دستور کار ما قرار بگیرد. من امیدوارم با تدقیق قرار پیشنهادی و جمع بندی نظرات رفقا به برنامه جامعی در این زمینه برسیم و سریعاً ملزومات اجرایی آن را فراهم کنیم.

**انترناسیونال:** جنبش آزادی زن، جنبش ضد آپارتاید جنسی در ایران جنبش عظیمی است. چه کاری باید کرد که مردم دنیا جمهوری اسلامی را بعنوان حکومت آپارتاید جنسی (درست مانند دولت آفریقای جنوبی بعنوان حکومت آپارتاید) بشناسند؟ چه برنامه ای در این زمینه دارید؟

**مینا احدی:** بخش اعظم مردم دنیا همین امروز هم جمهوری اسلامی را بعنوان یک حکومت ضد زن به رسمیت می شناسند. این به یمن، مبارزات و اعتراضات زنان در ایران و در عین حال به یمن فعالیت جنبش ما و بطور مشخص حزب ما بوده است. فعالین جریان ما در مجموعه کمپین هایی که سازمان داده اند و نهادهایی که ایجاد کرده اند، تلاش عظیمی را برای شناساندن جنبش برابری طلبانه زنان در ایران کرده اند. ما در این مجموعه فعالیت های اجتماعی و بین المللی، آپارتاید جنسی را افشا و محکوم کرده ایم. ما در این فعالیتها چهره ضد زن و کریه حکومت اسلامی و اسلام سیاسی را افشا کرده و صدای اعتراض زنان را به گوش جهانیان رسانده ایم.

یک واقعیت را نباید فراموش کرد که زمین زیر پای ما هموار نبوده و نیست. ما باید با یک تصویر و با یک عینک که به چشم جامعه زده اند، ابتدا تعیین تکلیف میگردیم. تقسیم دنیا به جوامع اسلامی و غیر اسلامی و تقسیم انسانها به مسلمان و غیر مسلمان و چسباندن مارک مسلمان به پیشانی هر کسی که مثلاً در ایران متولد شده، یک تلاش

سیاسی هدف دار بوده که در مبارزات ما همچون سد و مانع بزرگی عمل کرده است. دولت های غربی به دلیل دفاع و مداخلات با حکومت اسلامی با دستگاههای عظیم تبلیغاتی شان، پاسیویسم آشکاری را در مقابل درد و رنج و مشکلات میلیونها زن متولد کشورهای اسلام زده در جوامع غربی دامن زده و به این ترتیب عملاً بر روی جهانشمولی حقوق انسانی و حقوق زنان خط بطلان کشیدند. مبارزه علیه آپارتاید نژادی در شرایطی کاملاً متفاوت و با اوضاع سیاسی دیگری بود. اما با وجود همه اینها باید بگویم که ما در این زمینه کاملاً پیشرو و موفق عمل کرده ایم و امروز باید ضمن استفاده از تجارب مبارزات اجتماعی و وسیع علیه آپارتاید نژادی، همین فعالیتهای خودمان را گسترده تر و وسیعتر به پیش ببریم.

**انترناسیونال:** شما در کنگره پنجم از جانب بخشی از رفقایستان فراکسیون چپ در حزب کمونیست کارگری عراق را اعلام کردید. عکس العمل حزب کمونیست کارگری عراق در قبال این فراکسیون چه بوده است؟

**عصام شکری:** مایلم اول اشاره کنم که اعلام فراکسیون در داخل کنگره را باید به مثابه بخشی از یک سری رویدادها نگاه کرد. رویدادهایی که بعد از تصمیم جانبدار و خطرناک دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری عراق علیه همزمز قدیمی خود یعنی حزب کمونیست کارگری ایران و به نفع انشعابیان از این حزب که بر اساس تزه های راست جدا شدند رخ دادند. مایلم خطاب به خوانندگان که مبارزه درونی حزب کمونیست کارگری عراق را دنبال نکرده اند توضیح دهم که فراکسیون پیشنهادی ما ابزاری برای پیشبرد یک پلاتفرم سیاسی در داخل حزب بود. از نظر رهبری، با این وجود، تمام مسئله یک توطئه برای تخریب حزب، رفتار تخریبی و بی دیسیپلین کادرها و غیره بود. از نظر ما فراکسیون یک ضرورت سیاسی برای مقابله با موضوع راستی بود که رهبری حزب گرفته بود. به این دلیل ویژه، یعنی برای جلوگیری از نیرو گرفتن نظرات چپ و در نتیجه حفظ وضع موجود و تبدیل کردن وضع موجود به یک واقعیت غیر قابل

تغییر، آنها فراکسیون چپ را نادیده گرفتند و علیه اش مبارزه کردند. قبل از اعلام عمومی فراکسیون چپ از طریق کنگره، ما نامه ای به رهبری حزب کمونیست کارگری عراق فرستادیم که در آن کتباً فراکسیون اعلام شده بود. در آن نامه - بیانیه، ما پلاتفرم سیاستمان جزئیات و همچنین تعهد اصولیمان به وحدت حزب را مطرح کرده بودیم. ما آرزوی صمیمانه مان برای حفظ وحدت حزب را نشان داده بودیم. ما تاکید کرده بودیم که داشتن فراکسیون بهترین راه ممکن برای رسیدن به وحدت تحت شرایط حاضر بود.

ما از رهبری خواسته بودیم که بیانیه فراکسیون تحت عنوان "فراکسیون برای دفاع از خط منصور حکمت" را سریعاً در درون حزب منتشر کند و آنرا برسمیت بشناسد. رهبری حزب نه سریعاً به ما جواب داد و نه سریعاً آنرا در میان اعضا منتشر کرد. عملاً ۵ روز بعد بیانیه ما در فرم درخواست و جواب در کنار هم، یکی اطلاعاتیه فراکسیون ما و یکی هم جواب دفتر سیاسی به آن منتشر شد. به عبارت دیگر، آنها نامه ما را منتشر نکردند تا زمانی که جوابشان را آماده کرده باشند. برای ما روشن بود که این یک عقب انداختن آگاهانه و یک موضع جانبدارانه بود. در هر صورت جواب رهبری رد فراکسیون بود. آنها تذکر دادند که قوانین و مقررات، اجازه داشتن چنین فراکسیونی را نمیدهد. که ما موضع سیاسی نداریم و فقط میخواهیم دفتری برای یک حزب دیگر در داخل حزب باز کنیم. که نامی که ما انتخاب کرده ایم گمراه کننده است چون این معنا را میدهد که گویا خط حزب دیگر خط منصور حکمت نیست و غیره.

بعد از اعلام عمومی فراکسیون چپ در کنگره حزب کمونیست کارگری ایران، نامه ای از طرف رهبری خطاب به تمام اعضا ارسال شد که در آن اعلام شده بود که پنج کادر حزب "دستورات" رهبری را که در آن دستور داده شده بود در کنگره حزب کمونیست کارگری ایران شرکت نکنند زیرا با گذاشته اند. و به طور غیر قانونی و یکجانبه فراکسیون اعلام کرده اند. در آن نامه قول داده شده بود که خواست "خیلی" از اعضا برای "تنسیه ما" به مورد اجرا گذاشته خواهد شد. گویا نامه هایی

از اعضا و کادرها میامد که اخراج این خطاکاران را درخواست میکرد و غیره. رهبری حزب جوی پر از کلماتی مانند تنسیه، اخراج و انتقام راه انداخته بود و صریحاً آنرا تشویق میکرد. دیگر برای ما آشکار شده بود که رهبری مصمم بود فراکسیون را برسمیت نشناسد و علاوه بر آن رهبری شرکت ما در کنگره و کاندید شدن ما به رهبری حزب منصور حکمت را یک توطئه شیطنی برای تخریب حزب کمونیست کارگری عراق تلقی کرد.

متأسفانه آنها قول خودشان به انتقام جویان را به سرانجام رساندند و سه نفر از بهترین رفقای کمونیست را که به کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران انتخاب شده بودند را اخراج کردند. و مسئولیتهای مرا هم تا پلنوم بعدی معلق کردند. این واکنش آنها بود به درخواست ما برای یک تلاش باز و شفاف و صمیمانه در جهت روشن کردن تفاوتهایمان و بحث در باره آنها و دفاع از کمونیسم کارگری منصور حکمت در داخل حزب. آنها گفتند که ما خودمان را از حزب خارج گذاشته ایم. در حالیکه با این مواضع این آنها بودند که خودشان را به خارج از کل گرایش کمونیسم کارگری بردند.

**انترناسیونال:** اگر شما عکسی از کنگره پنجم بگیرید، چه تصویری بدست می آید؟ این چگونه کنگره ای بود؟

**محسن ابراهیمی:** قبل از هر چیز کنگره پنجم حزب نشان داد که هیچ جایی برای خوشحالی طبقه سرمایه دار و حکومت اسلامیش وجود ندارد. آنهایی که دلشان را خوش کرده بودند که گویا با انشعاب اخیر در حزب، این حزب کمر خم میکند متوجه شدند که اعضا و کادرها و رهبری حزب همچنان مصمم و منسجم و متشکل و محکم سرچایشان هستند و مبارزه شان برای اهداف انسانی خود، برای جامعه سوسیالیستی را پیش میبرند.

کنگره پنجم نشان داد که حزب کمونیست کارگری یک حزب سیاسی ریشه دار است که با هر بادی نمیلرزد. حزب کمونیست کارگری بخش متشکل و منسجم یک جنبش اجتماعی و سیاسی است؛ جنبش کمونیسم کارگری. و جنبش کمونیسم کارگری جنبش یک طبقه

## قرار در مورد شورا و جنبش شورائی

مصوب دفتر سیاسی حزب

بدین منظور حزب وظیفه دارد

از آنجا که:

- ۱- با اوجگیری جنبش سرنگونی علیه رژیم اسلامی سازماندهی توده ای مردم به يك امر روز و عاجل تبدیل شده است
  - ۲- ضروری است که از هم اکنون تصویر و افق روشنی از نظام آلترناتیو حکومتی ما یعنی جمهوری سوسیالیستی به جامعه داده شود
- از اینرو:**
- تبلیغ شوراها هم بمثابة تشکل مبارزاتی توده مردم و هم بعنوان ارکان جمهوری سوسیالیستی و تلاش برای تشکیل این ارگانها در محور سیاست سازماندهی توده ای ما قرار میگیرد.
- فعال تر و گسترده تر از گذشته به جنبش مجمع عمومی دامن بزند و سازماندهی مجامع عمومی در کارخانه ها و محیطهای کار را در دستور قرار بدهد.
- بیش از پیش بعنوان پیشرو و پرچمدار جنبش شورائی و سازمانده شوراها در جامعه ظاهر شود. و در هرجا و هر زمان که شرایط و تناسب قوا اجازه دهد شوراها را کارگری و توده ای را سازمان بدهد.
- در صورت مساعد بودن شرایط برای تشکیل شوراها با تاکتیکهائی نظیر ایجاد و اعلام هیات موسس شوراها، بکوشد.
- شعار "زنده باد شورا" و "پیش بسوی تشکیل شوراها" را وسیعاً طرح و تبلیغ کند.

اجتماعی است: طبقه کارگر. این تفاوت مهم حزب کمونیست کارگری با فرقه های سیاسی است که انشعابات و حتی ورود و خروج اشخاص میتواند تماما برهمشان بزند. حزب کمونیست کارگری دقیقا به این خاطر که بخش متشکل جنبش سیاسی يك طبقه اجتماعی رها کننده است و به این معنا ریشه دار است، توانست با قدرت و انسجام در قبال انشعاب اخیر از راست سربلند کند. کنگره پنجم مجددا این حقیقت را تاکید کرد. کنگره پنجم نشان داد که حزب صف عظیمی از اعضا و کادرها و رهبری را دارد که يك ذره، حتی يك ذره از استراتژی روشن منصور حکمت برای رهبری انقلاب سوسیالیستی، برای کسب قدرت سیاسی و برای برقراری فوری جامعه سوسیالیستی کوتاه نمیایند. نشان داد که منصور حکمت، اهدافش، سنتهایش، سیاستهایش همچنان زنده است و توسط تعداد زیادی انسان روشن بین پراتیک میشود.

از هر گوشه و از هر مقطعی از کنگره پنجم عکس بگیری چهره کمونیستهای جوان دختر و پسر را میبینی که در سالهای اخیر به حزب پیوسته اند. نسلی که مصمم اند حکومت اسلامی را از جامعه ایران جaro کنند. مصمم اند فقر و بیکاری و تبعیض و مذهب را از جامعه ریشه کن کنند. نسلی که به کنگره آمده اند تا از حزب منصور حکمت، از تلاش این حزب برای قرار گرفتن بر راس جنبش سرنگونی، از مبارزه حزب برای رهبری انقلاب سوسیالیستی و استقرار فوری جامعه سوسیالیستی دفاع کنند. صف بزرگ این نسل جوان در حزب کمونیست کارگری به خوبی نشان میدهد که جنبش کمونیسم کارگری تعداد زیادی رهبران پرشور و روشن بین آتی را در میان خود پرورش میدهد. رهبرانی که جامعه انسانی و برابر و آزاد سوسیالیستی فردا را سازمان خواهند داد. با دیدن این کنگره نباید دیگر کسی تردید کند که حزب منصور حکمت آنچنان ریشه دوانده که نمیتوان از جا کندهش. آنچنان روشن بین است که نمیتوان مسیر سیاسی اش را کج کرد.

**انترناسیونال:** حزب بعد از "کنگره سوسیالیسم و انقلاب" چگونه حزبی باید باشد؟

**سیاوش دانشور:** حزبی برای همین کار. حزبی که همینطور به خود و وظایفش نگاه میکند. حزب رهبران کمونیستی که میخواهند زندگی و آینده يك جامعه هفتاد میلیونی را تغییر دهند و به این اعتبار در يك جهان چند میلیاردی منشا اثر برای نسلهای متمادی باشند. حزبی که با اشتها و اعتماد بنفس به قلب جامعه

میزند و در صف اول جدال برسر آزادی و رفاه و حق و عدالت حاضر است. حزبی که نقد مارکسیستی و کمونیستی کارگری به جهان معاصر را برافراشته و در همان ابعادی که بورژوازی افکار را میسازد، بتواند و بخواهد نقد خود را به وضع موجود به نقد جامعه تبدیل کند. حزبی که رهبر بلامنازع اردوی آزادی و بورژوازی و دشمنان طبقه کارگر و مردم محروم را ندارد، حزبی که مصمم است پرچم کمونیسم را در جدال تاریخساز سیاسی ایندوره پیروز کند. حزبی که قلب مردم را تسخیر کرده است، در ابعاد وسیع دوستش دارند و به آن میپیوندند. حزبی اجتماعی و مارکسیستی که الگوی کمونیسم قرن بیست و یکمی را به جهان بشناساند. حزبی بزرگ و قوی با امکانات و اعضای بیشمار، بقول منصور حکمت "باید آنقدر قوی بشود که بورژوازی امروز در جهان را خود او شکست بدهد". حزب کمونیستی باید چنین حزبی باشد و مدام تلاش کند که به چنین حزبی تبدیل شود.

حزب کمونیست کارگری در يك تلافی مهم تاریخی قرار گرفته است. در تاریخ یکصد سال گذشته ایران تلاش و مبارزه برای جامعه ای مدرن و سکولار، مبارزه با مذهب و خرافه، برخورداری از آزادی و برابری و رفاه اقتصادی، خلاصی فرهنگی از سنن شرقی و جهان سومی، تجدد و پیشرفت موضوع جدال بودند. از انقلاب مشروطیت تا انقلاب ۵۷ ایران رگه هایی از عدالتخواهی و پیشرفت تلاش کردند چهره جامعه را عوض کنند و هر دوره از ارتجاع ملی و اسلامی شکست خورده اند. حتی در انقلاب ۵۷، که خروش "کارگر نفت ما رهبر سرسخت ما" جهانیان را متوجه تحولات ایران میکند، این آرمانها و آرزوهای دیرینه مردم توسط ارتجاع اسلامی بخون کشیده شد. امروز تمام این روندهای تاریخی، که ضرورتا خصلتی "ایرانی" ندارند، در تحولات ایران به هم رسیده اند. مهمتر اینکه حزبی که پرچمدار این آرمانها و آمال دهها میلیونی مردم باشد وجود دارد. این حزب محصول جنبش شورائی کارگری انقلاب ۵۷ ایران و عروج نقد مارکسیستی به نظام استثمارگر سرمایه داری است. در انقلاب ۵۷ کارگر در میدان بود اما کمونیسم و حزب کمونیستی طبقه کارگر که بتواند در مقیاس سراسری و در قلمرو سیاست پرچم انقلاب و طبقه انقلابی را برافراشته نگهدارد نبود. امروز همه چیز فرق میکند. بار دیگر انقلاب، قیام، سرنگونی، دولت، قدرت سیاسی، و نبرد برسر آزادی و عدالت به مرکز توجه جامعه رانده شده اند. حزب

بعنوان يك جز لاینفك سیاست در ایران که به روند تحولات تاثیر میگذارد و آن را میسازد تثبیت شده است. جامعه ایران در دوره اخیر با رهبری حزب کمونیست کارگری به چه چرخیده است. حزب بعنوان نقطه امید مردم محروم در ابعاد وسیع معرفی شده است. امروز در ایران، حزب مساوی کمونیسم است و کمونیسم مساوی حزب. اگر این حزب را از صحنه سیاست ایران حذف کنید، انقلاب و آزادی و خوشبختی برای دهها سال به عقب رانده خواهد شد. مسئله به همین سادگی است و وظایفی که در مقابل ما قرار گرفته به همین بزرگی و پیچیدگی است. حزب کمونیست کارگری باید نشان دهد که رهبری لایق و صالح برای تحقق آرمانها و آرزوهای چند نسل مردم است. حزب باید نشان دهد که از این آزمایش تاریخی پیروز بیرون می آید. حزب و بویژه صف وسیع رهبری و کادری آن در داخل و خارج باید به موقعیت خودش، نقشی که باید ایفا کند، و انتظاراتی که در مقابل اش صف کشیده اند آگاه باشد. مسئله برای ما روشن است: ما یا بورژوازی؟ پیروزی کارگری در ایران چهره جهان را عوض میکند. حزب انقلاب و سوسیالیسم باید چهره جهان را دگرگون کند. بقول مارکس: گل همینجاست، همینجا برقص! \*

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!